



نشریات آسیای میانه پیش از دولت سوسیالیستی*

نوشته: دکتر ادیب خالد**

ترجمه: محسن جعفری مذهب

دستگاه اداری روسیه بود یا نه (که اجازه انتشار نشریات بومی را نمی‌داد) ولی می‌دانیم که روزنامه‌های ترکی و فارسی که در کشورهای عثمانی، ایران و اروپا منتشر می‌شد از جمله روزنامه ترجمان به‌طور گسترده‌ای در آسیای میانه خواننده داشت. نظام پستی در آسیای میانه این امر را ممکن ساخته بود و حق بدون چون و چرای سانسور نیز نمی‌توانست نشریات وارد شده را کنترل کند. آزادی‌های سیاسی ناشی از انقلاب ۱۹۰۵ م/ ۱۳۲۳ هـ. روسیه، که مطالبات سیاسی آن افزایش یافته بود، زمینه ظهور نشریات غیردولتی در ماه مارس ۱۹۰۶ م/ ۱۳۲۴ هـ. شد. نخستین نشریه بومی مستقل، هنوز بسیار غیرطبیعی بود. یک روس سوسیالیست ترقی‌خواه به نام آی. آی. گیر Geier با هدف آشنایی مردم منطقه با اندیشه‌های نوین سیاسی، صاحب آن بود. بیشتر مقالات از روزنامه‌های روسی برگردانده می‌شد که توسط محمدجان حیدرف، مترجم دولت، تهیه می‌شد. نشر سنگین نشریه حتی در عنوان نشریه به چشم می‌خورد: **ترقی: اورتا آزیانینگ عمر گذرلیغی** (ترقی: زندگی آسیای میانه). تازه چند مدرسه با اصول جدید در تاشکند به‌وجود آمده بود و جدیدی‌ها که هنوز گروه کوچکی بودند، منتظر فرصت انتشار نشریه بودند. منور قاری که به دلیل اختلافات شخصی و سیاسی با استروموف، هرگز به ترکستان ولایتی‌نینگ‌گازتی نپیوسته بود، نخستین مقالات خود را در ترقی نوشت. با وجود عمر کوتاه این نشریه (که به دلیل مشکلات اقتصادی پس از سه ماه و انتشار

۱۲۹۶ هـ. ابراهیم اف برای سفری به اروپا رفت و در بازگشت، شرح سفر خود را نوشت که اولین توصیف شهر برلین به زبان ترکی در آسیای میانه بود. در سال ۱۸۸۳ م/ ۱۳۰۰ هـ. نیکلای پتروویچ استروموف Ostroumov به سردبیری نشریه رسید که به دستور ژنرال چرنایف فرماندار کل جدید ترکستان بود. استروموف تا آخرین شماره نشریه در سال ۱۹۱۷ م/ ۱۳۳۵ هـ. در مقام سردبیری ماند.

فشارهای اقتصادی، کوشش برای برپا کردن نشریه مستقل محلی را مشکل می‌ساخت هر چند دستگاه اداری نیز مسؤول تعطیلی نشریات زیادی بود. نشریه، جاذبه ویژه‌ای برای جدیدیان داشت که حتی حضور ظاهری نشریات را نیز نشانه پیشرفت و سرچشمه آگاهی می‌دانستند. نویسنده‌ای در یکی از نخستین نشریات ترک‌زبان تاشکند، روزنامه‌ها را به «حکمای صادق و اطباء حاذق» تشبیه می‌کرد که درد جامعه را درمان می‌کنند. چندسال بعد، محمود خواجه‌بهبودی، نشریات را رهبران جامعه می‌دانست که با انتقاد پایدار خود از کمبودها، آن را هدایت می‌کنند.^۲ همچنین، روزنامه‌ها اطلاعاتی از سراسر جهان تهیه و خوانندگان خود را با روابط جهانی و پیشرفت‌های سایر ملل آشنا می‌کردند. مقالات درباره خاصیت نشریات، محتوای اصلی نشریات جدیدی شده و پیش‌گامان ادبیات جدیدی، مدتی از وقت خود را صرف خواندن روزنامه‌ها می‌کردند.^۲ گرچه ما نمی‌دانیم که آیا ترکستان ولایتی‌نینگ‌گازتی انحصار خود را مدیون

نخستین نشریه در آسیای میانه (ترکستان) در سال ۱۸۷۰ م/ ۱۲۸۷ هـ. [وقایع ترکستان] Turkestanskie Vedomosti بود که دو پیوست از یکی و قزاقی نیز داشت و هر هفته منتشر می‌شد. این نشریه که در چاپخانه تازه پای سرفرماندهی نظامی تاشکند منتشر می‌شد، به دستور ژنرال کافمن، فرماندار کل ترکستان و به منظور «آگاهان مردم از دستورات صادره از سوی فرماندار کل» تأسیس شد.

وقایع ترکستان در نخستین شماره خود اشاره کرد «اخبار اقتصادی و حوادث اتفاق افتاده در تاشکند و شهرهای دیگر» را نیز منتشر خواهد کرد. در سال ۱۸۸۳ م/ ۱۳۰۰ هـ. نسخه قزاقی تعطیل و نسخه از یکی با نام **ترکستان ولایتی‌نینگ‌گازتی** به هفته‌نامه تبدیل شد. در سال ۱۹۰۸ م/ ۱۳۲۶ هـ. به دو هفته‌نامه مبدل و تا سال ۱۹۱۷ م/ ۱۳۳۵ هـ. به همین شکل انتشار یافت. به استثنای دو دوره ۱۹۰۶-۱۹۰۸ م/ ۱۳۲۶-۱۳۲۴ هـ. و ۱۹۱۳-۱۹۱۵ م/ ۱۳۳۱-۱۳۳۲ هـ. که نشریات محلی آسیای میانه منتشر می‌شدند، ترکستان ولایتی‌نینگ‌گازتی تنها روزنامه محلی آسیای میانه در دوره تزاری بود. اولین سردبیر آن شاه‌مردان ابراهیم اف، تاتاری اهل اورنبورگ بود که مترجم دستگاه فرماندار کل ترکستان بود. در سال نخست گزارش دیدارهای ژنرال کافمن و عملیات نظامی او می‌آمد و سپس قصه‌های هزارویک‌شب و نیز اخباری از نشریات روسی به آنها افزوده شد. در اواسط دهه ۱۸۷۰ بعضی اخبار رسیده از خوانندگان نیز در آن ثبت می‌شد. در سال ۱۸۷۹ م/

۱۷ شماره متوقف شد)، این اقدام بسیار مهم بود زیرا یکی از محدود کوشش‌های روس‌های محلی بود که مردم را به گفتمان سیاسی دعوت می‌کرد.

شکست روزنامه ترقی، اسماعیل عبیدی (گابیتف Gabitov) سوسیالیست انقلابی تاتار را از کوشش مجدد باز نداشت. عبیدی ترقی را دوباره منتشر کرد که ۱۹ شماره بیرون آمد؛ پیش از آن که به حکم دادگاه عالی تاشکند بسته شود. ترقی بسیار شبیه روزنامه پیشین بود به جز آنکه نظریات سیاسی آن بسیار اصولی‌تر بود و از نثر مشکلی ترقی: اورتآزیانینگ عمرگذرلیفی فاصله گرفت. دوباره اصلاح‌طلبان منطقه به روزنامه هجوم آوردند تا از طریق آن انتقادهای خود را بپراکنند. هر انتقادی واکنشی در پی داشت. اما خطر اصلی روزنامه‌ها انتقادهای اصولی آنها بود که علیه بوروکراسی به عنوان دشمن آزادی‌های تازه به دست آمده، مطرح می‌شد و به دستگاه اداری محلی برمی‌گشت. به زودی پلیس به اداره مجله هجوم آورد و پس از انتشار فقط سه شماره، به دلیل ترجمه نادرست دو سرمقاله که براساس آنها روزنامه به طرفداری از روشنفکران کشته شده متهم می‌شد، چند صد نسخه به فروش نرفته ضبط شد. عبیدی بازجویی و پس از ضمانت آزاد شد.^۲

روزنامه ترقی پس از ۱۹ شماره انتشار و به جرم انتشار سرمقالات حاوی مطالب مضره، به حکم دادگاه توقیف شد.^۵ تنها سه هفته پس از توقیف ترقی، منور قاری نشریه خورشید را انتشار داد. خورشید لحن تند ترقی را داشت و از مسائل سیاسی پرهیز نمی‌کرد (چند مقاله درباره اوضاع سیاسی ناپایدار روسیه، و به ویژه درباره وقایع ایران، مصر و هند نوشت که آشکارا گرایش ضد استعماری داشت). همه اینها خشم دستگاه اداری را برانگیخت و تنها پس از ۱۰ شماره به جرم

«مدیریت شدت مضره» تعطیل شد.^۶ شهرت نیز که در دسامبر ۱۹۰۷ م/ ۱۳۲۵ ه. توسط عبدالله عولانی و با همکاری احمدجان بکتیمیروف Bektimirov و منور قاری منتشر شده بود پس از ۱۰ شماره توقیف شد همان‌گونه که جانشین آن آزیان تنها پنج شماره دوام آورد. نشریه میانه‌رو تاجار به دست سعید کریم‌بای منتشر و با پرهیز از ورود در سیاست «هدف ما [برخلاف ترقی و خورشید] مخالفت با حکومت نیست دوستی و حمایت از حکومت روسیه از راه‌های مشروع»^۷ دوام آورد اما خوانندگان زیادی را جذب نکرد و سعید کریم‌بای که ظاهراً نتوانسته بود قرض‌های خود را بپردازد. پس از ۳۷ شماره آن را بست. از ماه مارس ۱۹۰۸ م/ صفر ۱۳۲۶ ه. هیچ نشریه مستقلی در آسیای میانه وجود نداشت.

نخستین کوشش در راه احیای نشریات در سال ۱۹۱۲ م/ ۱۳۳۰ ه. در بخارا به وقوع پیوست و بیشتر شکل سازمانی داشت. در سال ۱۹۱۲ م/ ۱۳۳۰ ه. گروهی از جدیدیان بخارا اجازه انتشار نشریه‌ای را به زبان فارسی و به نام بخارای شریف گرفتند که در کاغان منتشر می‌شد. روزنامه توسط شرکتی سهامی با سرمایه نه هزار روبل انتشار یافت که فوراً پرداخت شده بود.^۸ میرجلال میربدلف مترجم برجسته نمایندگی سیاسی روسیه مجوز را گرفته بود و نمایندگی حق اعمال سانسور را بر روزنامه داشت. بخارای شریف با سردبیری یک آذربایجانی به‌طور روزانه منتشر می‌شد (البته وقتی در ماه ژوئیه یک پیوست دو هفته‌ای با نام توران منتشر کرد روند انتشار آن تغییر کرد). دو نشریه چندماه دوام آوردند اما سرانجام در ژانویه ۱۹۱۳ م/ صفر ۱۳۳۱ ه. به درخواست امیربخارا و دستور مقامات روسی تعطیل شد.^۹ در ماه آوریل همان سال (جمادی‌الاول)، بهبودی که به شدت

درگیر چاپ و نشر بود دو هفته‌نامه سمرقند را منتشر کرد. این جسارت از جهت اقتصادی موفق نبود و سرانجام بهبودی در ماه سپتامبر / شوال نشریه را تعطیل و همه تعهدات آن را به نخستین مجله آسیای میانه به نام آینه منتقل کرد که در عرض ۲۰ ماه بعد به صورت هفته‌نامه منتشر می‌شد. دوباره فروش مجله افت کرد و آغاز جنگ بین‌المللی نیز کمکی بدان نکرد. در پایان نخستین سال، تعداد مشترکین مجله به ۲۳۴ رسید و امیدی به بهبودی آن نبود. ۱۰ زمانی که در تابستان سال ۱۹۱۵ م/ ۱۳۳۳ ه. بهبودی به گفته پزشکانش بیماری سختی گرفته بود، مجله را بست.^{۱۱} آینه دیگر منتشر نشد.

ولی سال ۱۹۱۴ م/ ۱۳۳۲ ه. سال اعتلای روزنامه‌نگاری در آسیای میانه بود. در ماه مارس / جمادی‌الآخر منور قاری، عبدالله عولانی، عبیدالله خوجایف و چهار نفر دیگر، صدای ترکستان را به صورت شرکت سهامی در تاشکند منتشر کردند.^{۱۲} تقریباً همزمان با آن عابد جان محمودف روشنفکر جدیدی صدای فرغانه را در خوقند منتشر کرد. دو نشریه کاملاً شبیه یکدیگر از سیاست پرهیز کرده و به مسائل فرهنگی و تربیتی پرداختند و خوانندگان خود را به ضرورت اصلاحات فرا می‌خواندند. در اوایل ۱۹۱۵ م/ جمادی‌الآخر که علمای اصلاح‌طلب در تاشکند نشریه اصلاح را منتشر کردند جمعاً پنج نشریه (به همراه ترکستان ولایتی نینگ‌گازتی) در آسیای میانه منتشر می‌شد. ولی این وضعیت دیری نپایید. هر چند احتیاط سیاسی آنان را از تیغ سانسور نجات می‌داد اما همه آنها (بجز اصلاح) گرفتار بازار شده و فروش کم، همه را ناتوان کرد. صدای ترکستان در ماه مه ۱۹۱۵ / رجب ۱۳۳۳ ه. به دلیل مشکلات اقتصادی تعطیل شد و کمی پس از آن صدای فرغانه و آخرین شماره آینه در ژوئن ۱۹۱۵ م/ شعبان ۱۳۳۳ ه. منتشر

شد.

دو کوشش دیگر برای انتشار اوراق خیریه شامل اخبار آژانس خیریه به صورت ترجمه، و احیای صدای ترکستان در اندیجان در سال ۱۹۱۶ م/ ۱۳۳۴ ه. به عمل آمد. ۱۳. وقتی طبقه حاکمه ترکستان به خاطر انقلاب ماه مارس ۱۹۱۷ م/ رجب ۱۳۳۵ ه. فرو پاشید فقط یک نشریه بومی غیردولتی در آسیای میانه منتشر می‌شد که **الاصلاح** بود.^{۱۲}

نشریات جدیدی آشکارا بوی تبلیغ می‌داد. از نظر جدیدیان، روزنامه تریبونی برای اعلام خواسته‌های اصلاحی بود. الگوی انتشار نشریه در آسیای میانه همان نشریه ترجمان اسماعیل گاسپرنیسکی بود که برای یک نسل تنها نشریه غیردولتی مسلمانان روسیه بود اما نشریات ترکستان در آستانه سده بیستم میلادی جایگاه خاصی در روزنامه‌نگاری مسلمانان در روسیه و عثمانی و به ویژه در میان مهاجران عثمانی و ایرانی داشت. نشریات معمولاً چهار صفحه بود و هفته‌ای دوبار منتشر می‌شد (به استثنای بخارای شریف که روزانه بود). روزنامه‌ها شامل خبر بود که اغلب از روی نشریات روسی ترجمه می‌شد یا توسط بنگاه‌های خبررسانی می‌رسید. هنوز مکاتبات پستی رواج کامل نیافته بود اما بخش مهمی از نشریات با مقالات، دیدگاه‌های روشنفکران دربارهٔ امور تربیتی، پیشرفت، شعر، انتقاد و نصیحت تأمین می‌شد. خوانندگان از همه نقاط ترکستان نامه‌هایی می‌فرستادند و در آن کمبودها و مشکلات محل زندگی خود را مطرح می‌کردند. بخش اصلی همه نشریات، **فیلیاتون** (از کلمه روسی Feuilleton) بود؛ مقاله بلندی که اغلب بیش از یک چهارم هر روزنامه را شامل می‌شد. **فیلیاتون** گاه انتقادی یا اصلاحی، و معمولاً هر دو گونه بود و نویسندگان آن، خوانندگان را از پیشرفت‌های جوامع دیگر آگاه و با اوضاع نفرت‌انگیز ترکستان

مقایسه می‌کردند و آنان را به اصلاح و عمل به دستوره‌های «حکمای جامعه» تشویق می‌کردند. گاه **فیلیاتون** داستانی خیالی بود؛ همچون رمان «دکتر محمدیار» اثر عبدالحمید سلیمان اوغلی با نام مستعار «چولیان» که شاید نخستین داستان کوتاه نوین به زبان ترکی آسیای میانه بود که به گونه **فیلیاتون** در تابستان ۱۹۱۴ م/ ۱۳۳۲ ه. و در نشریه **صدای ترکستان** منتشر شد. روزنامه **آینه** بهبودی نیز مقالات مشابهی در راهنمایی و نصیحت داشت هر چند او نیز بخش زیادی از روزنامه را به مقالات آگاه‌کننده اختصاص داده بود، «تاریخچه سمرقند» و نیز مقاله‌ای به نام «چرا دولت ترک سقوط کرد؟» که شرح سفر دوماهه بهبودی به امپراتوری عثمانی در سال ۱۹۱۴ بود و از روی نشریه **ترجمان** تجدید چاپ شده بود.

این‌گونه نوشته‌ها نشریات جدیدی را از **ترکستان ولایتی نینگ گازتی** از سوی، و از **الاصلاح** از سوی دیگر متمایز می‌ساخت. اولین ندای اصلاحات به صورت «**فیلیاتون**» در **ترکستان ولایتی نینگ گازتی** منعکس شد اما تمرکزی را که بعدها در نشریات جدیدی دیده شد، نداشت. در **ترکستان ولایتی نینگ گازتی**، **فیلیاتون** جنبه اطلاع‌رسانی داشت همچون مقالات «در سیصدسالگی خاندان رومانف در ۱۹۱۳ م/ ۱۳۳۱ ه.» و «در صد سالگی یورش ناپلئون به روسیه» یا «تاریخ فتوحات روسیه در ترکستان». از سوی پس از انتشار نشریات مستقل مسلمان پس از ۱۹۰۵ م/ ۱۳۲۳ ه.، **ترکستان ولایتی نینگ گازتی** بسیار محافظه‌کار شد و در روند تشویق اصلاحات فعالیتی نداشت. بیشتر مطالب دههٔ آخر عمر مجله را ملاحظه عالم، سرسپرده استروموف، می‌نوشت و گهگاه با مدیران سایر نشریات آسیای میانه و تاتارستان درگیر

می‌شد. از سوی دیگر **الاصلاح** دربارهٔ تقلید از اروپا نمی‌نوشت؛ اصلاحات موردنظر او ریشهٔ دیگری داشت. نشر آن آمیخته با اصطلاحات عربی و فارسی بود. امثال عربی (بدون ترجمه) نیز که موردنظر خوانندگان بود، کاربرد زیادی در نشر روزنامه داشت.

علمای دینی، بجز از طریق **الاصلاح**، هیچ نشریهٔ دیگری را برای دخالت در نزاع‌های موجود انتخاب نکردند. از آنجا که نوشته مکتوبی در این باره باقی نمانده است، شناخت مقاصد آنان مشکل است. اما قرائن نشان می‌دهند که علمای دینی هیچ رغبتی به بحث و مناظره با افرادی غیر از خودشان نداشتند، زیرا از نوع آموزش یکسانی برخوردار نبودند شاید دلیل اصولی‌تر عدم حضور علمای دینی در دنیای روزنامه‌نگاری آن بود که ایشان در یک فضای شفاهی به سر می‌بردند و کتابت امری مقدس بود. در آموزش ایشان، انتقال دانش از راه مباحثهٔ رودررو و از راه تقریر و تحریر میسر بود و انتشار غیرشخصی و عمومی به ویژه در نشریات، از نظر اکثریت آنان نپذیرفتنی بود. برای آنان که باسواد بودند، مطالعه تلاشی عبادی بود. توجه به بعضی استفاده‌های متفاوت از ادبیات مکتوب و عادت‌های متفاوت مطالعه، می‌تواند عدم حمایت از فعالیت‌های انتشاراتی جدیدیان را توجیه کند. دلایل روشن کمی تقاضا برای روزنامه‌ها و ادبیات مکتوب، بیشتر قدرت خرید کم مصرف‌کنندگان با توجه به اقتصاد فقیر روستایی و سطح پایین سواد مردم بود. اما همان‌گونه که در فصل اول گفته شد، سطح پایین سواد میان مردم به علت فقدان آموزش یا علاقهٔ آنان به آموزش سستی نبود. متون بلندبلند خوانده می‌شد و بی‌سوادان از آن استفاده می‌کردند. به همین دلیل سطح پایین سواد دلیلی برای سطح پایین تقاضا برای ادبیات مکتوب بود.

مورخان اروپایی به گذار از مطالعه متمرکز به مطالعه پراکنده در سده هجدهم میلادی پرداخته‌اند. مطالعه متمرکز، مطالعه و باز مطالعه همگانی را که اغلب با صدای بلند (و همراه با حفظ کردن) بود به بخش کوتاهی از متون و نوعی خاص محدود می‌ساخت. بیشتر مطالعات همراه احترام به امر خواندن و کتاب مورد مطالعه بود. مطالعه پراکنده از مشخصات دوره چاپ است که در آن مطالعه آرام و شخصی بود و از روی متنی خوانده می‌شد که عاری از هرگونه معانی محترم یا مقدس بود.^{۱۵} از این رو یک بررسی همه‌جانبه، نتایج ارزشمندی را از تجربه جدیدی در پراکندن اصلاحات از راه ادبیات منتشره به اثبات می‌رساند.

در سنت آموزش مکتبی، متون اشیایی مقدس بودند که تنها به واسطه استاد به دست می‌آمدند. روزنامه، شیوه کاربردی کاملاً نوینی را برای ادبیات منتشره ارائه می‌کرد. متون غیرشخصی آن، به ویژه به این دلیل که عاری از اصطلاحات و عبارات مسجع بود نوعی تقدس‌زدایی به‌شمار می‌آمد که برای پخش ادبیات مکتوب مناسب نبود. و اکنون خود روزنامه بهترین سرچشمه پخش عادت‌های نوین خواندن بود و حضور پایدار عادت‌های قدیمی خواندن، موانع عمده‌ای را در رشد آن به وجود آورد. مدارس به روش جدید، روش‌های خواندن دیگری را جانشین می‌کردند و نسل نوینی از شاگردان آن می‌توانستند ادب مطالعه جدید را برای تداوم تلاش‌های انتشاراتی جدیدیان فراهم آورند. اما در زمان مورد بحث ما، هنوز این نسل شکل نگرفته بود. نشریات جدیدیان در جذب خوانندگان - در طیف گسترده - شکست خورده و گرفتار مشکلات اقتصادی شدند. شهرت زمانی که توسط مقامات توقیف شد^{۱۶} تیراژی حدود ۳۰۰ داشت و همان‌گونه که پیشتر گفته شد

تعداد مشترکین آینه بهبودی حدود ۲۰۰ نفر بودند. □

لیست نشریات منتشره

آینه	سمرقند	۱۹۱۳-۱۹۱۵
بیان‌الحق	تاشکند: مدینت‌شرکتی	۱۹۱۸
بخارای شریف	کاغان	۱۹۱۲-۱۹۱۳
حریت	سمرقند	۱۹۱۷-۱۹۱۸
الاصلاح	تاشکند	۱۹۱۵-۱۹۱۷
الایضاح	تاشکند: علماجمعیتی	۱۹۱۷-۱۹۱۸
کنگاش	خوقند: خوقندملل‌مجمعیتی	۱۹۱۷
کنگاش	تاشکند - مرکز شوراسی	۱۹۱۷
خورشید	تاشکند	۱۹۰۶
نجات	تاشکند	۱۹۱۷-۱۹۱۸
روثق الاسلام	خوقند	۱۹۱۷
صدای فرغانه	خوقند	۱۹۱۲-۱۹۱۵
صدای ترکستان	تاشکند	۱۹۱۲-۱۹۱۵
سمرقند	سمرقند	۱۹۱۳
شهرت	تاشکند	۱۹۰۷-۱۹۰۸
ترقی	تاشکند	۱۹۰۶
ترقی‌اورتا	تاشکند	۱۹۰۶
آزیانینگ		
عمرگذرینی		
تیریک‌سوز	خوقند	۱۹۱۷
تجار	تاشکند	۱۹۰۷
توران	کاغان	۱۹۱۲-۱۹۱۳
توران	تاشکند: توران‌جمعیتی	۱۹۱۷
توران	تاشکند: تورک آدمی	۱۹۱۷
تورک‌الی	تاشکند	۱۹۱۷
ترکستان ولایتی	تاشکند	۱۸۷۰-۱۹۱۷
نینگ‌گازی		
اوجتون	تاشکند: یاش تجارالیلر	۱۹۲۰
	فرقه‌سی	
الوغ ترکستان	تاشکند	۱۹۱۷-۱۹۱۸

* مقاله حاضر ترجمه بخش «نشریات» از کتاب زیر

است:

Adeeb Khalid *The Politics of Muslim Cultural Reform: Jadidism in Central Asia* Oxford University Press, 2000

پاراگراف اول از فصل «ریشه‌های جدیدیسم» و پاراگراف آخر (فهرست نشریات ترکستان) از فهرست منابع کار نویسنده اقتباس شده است.

** ادیب خالد استاد تاریخ کالج کارلتون و کتاب حاضر رساله دکترای او از دانشگاه ویسکانسین - مدیسن است که در سال ۱۹۹۳ دفاع شده است. پیش از این مقاله‌ای از او با عنوان «چاپخانه داران مسلمان در آسیای مرکزی دوره تزاری» با برگردان نگارنده در آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۲۵، بهار ۱۳۷۸ منتشر شده بود.

پی‌نوشت‌ها:

۱. جدیدی‌گری نهضتی روشنفکرانه بود که در میان مسلمانان روسیه رواج یافت: ابتدا در میان مسلمانان روسیه در تاتارستان و کریمه، سپس در سرزمین‌های ایرانی جدا شده در قفقاز، و سرانجام در سرزمین‌های فتح شده توسط روسیه در آسیای میانه، نام جدید از اصول جدیدی گرفته شده که آموزش جدید اسلامی در روسیه را بنا نهاد و مدارس جدید برپا شد که رقیبی جدی برای مکاتب سنتی اسلامی و مدارس روسی بود (مترجم).

۲. مقاله بهرام بیگ دولت بایف در ترقی ۲۳ ژوئیه ۱۹۰۶؛ محمود خوجا بهبودی «گازت چیست؟» سمرقند، ۳ می ۱۹۱۳.

۳. مثلاً بهبودی: «گازت نه دور»؛ تجار، ۱۱ نوامبر ۱۹۰۷؛ «بعضی فواید روزنامه بخارای شریف، ۱۱ مارس ۱۹۱۲.

۴. بنگرید به شرح واقعه در «بابلار، بورقراطیه و گازتا» ترقی، ۲۷ ژوئیه ۱۹۰۶.

5. TsGARUZ, F.1, op. 4, d. 1003, 11. 117, 119, 188.

6. TsGARUZ, F.1, op. 31, d. 536, I:16.

۷. «مطبوعات عالمی»؛ تجار، ۲۱ اوت ۱۹۰۷.

8. A. Samoilovich "Pechat" Russkikh musulman" *Mir Islama* 1 (1912): 478n.

۹. صدرالدین عینی «بخارا انقلابی: تاریخی او چون ماتریال» (مسکو، ۱۹۲۲) (۱۰۱۹۴).

۱۰. «محترم خوانند مرغه آینه، ۱۶ نوامبر ۱۹۱۴، ۴۱-۴۰.

۱۱. «اداره دن» آینه، ۱۵ ژوئن ۱۹۱۵، ۴۴۲.

12. GARF, f. 102, op. 244 (1914), d. 74, ch. 84B, 1. 125.

۱۳. ضیاء سعید. «دزبک و قتل مطبوعات تاریخیچه ماتریال» (۱۹۲۷) در مجموعه آثار او (تاشکند ۱۹۷۴)، ۱۰۱.

۱۴. درباره نشریات در آسیای میانه بنگرید به اثر ضیاء سعید و نیز بخش آسیای میانه در

Alexandre Bennigsen and Chantal Lemerrier- Quelquejay: *La Presse et le mouvement national chez le musulmans de Russie avant 1920* Paris 1964

که اثری استاندارد در این باره است اما گاه نادرستی‌هایی دارد و باید با احتیاط استفاده شود.

۱۵. مقدمه‌ای ارزشمند در این باره وجود دارد:

Roger Chartier "Du Lire au livre" in Chartier (ed.) *Pratiques de la lecture* (Marseilles 1985), 69 ff.

16. Ts GARUZ, F. 461, op. 1, d. 57, I. 60706.